

¹لَأَنَّ كُلَّ رَئِيسٍ كَهَنَةٍ مَّاخُذٍ مِنَ النَّاسِ يُقَامُ لِأَجْلِ النَّاسِ فِي مَا لِلَّهِ، لِكَيْ يُقَدِّمَ قَرَابِينَ وَذَبَائِحَ عَنِ الْخَطَايَا قَادِرًا أَنْ يَتَرَفَّقَ بِالْجَهَالِ وَالصَّالِينَ إِذْ هُوَ أَيْضًا مُحَاطٌ بِالضَّعْفِ،³ وَلِهَذَا الضَّعْفُ يَلْتَزِمُ أَنَّهُ كَمَا يُقَدِّمُ عَنِ الْخَطَايَا لِأَجْلِ الشَّعْبِ هَكَذَا أَيْضًا لِأَجْلِ نَفْسِهِ.⁴ وَلَا يَأْخُذُ أَحَدٌ هَذِهِ الْوَظِيفَةَ بِنَفْسِهِ بَلِ الْمَدْعُوُّ مِنَ اللَّهِ، كَمَا هَارُونُ أَيْضًا.⁵ كَذَلِكَ الْمَسِيحُ أَيْضًا، لَمْ يَمَجِّدْ نَفْسَهُ لِيَصِيرَ رَئِيسَ كَهَنَةٍ بَلِ الَّذِي قَالَ لَهُ: "أَنْتَ ابْنِي، أَنَا الْيَوْمَ وَلَدْتُكَ"،⁶ كَمَا يَقُولُ أَيْضًا فِي مَوْضِعٍ آخَرَ: "أَنْتَ كَاهِنٌ إِلَى الْأَبَدِ عَلَى رُتْبَةِ مَلِكِي صَادِقٍ".⁷ الَّذِي فِي أَيَّامِ جَسَدِهِ، إِذْ قَدَّمَ بِضَرَاخٍ سَدِيدٍ وَدُمُوعَ طِلْبَاتٍ وَتَضَرُّعَاتٍ لِلْقَادِرِ أَنْ يُخَلِّصَهُ مِنَ الْمَوْتِ وَسَمِعَ لَهُ مِنْ أَجْلِ تَقْوَاهُ،⁸ مَعَ كَوْنِهِ ابْنًا تَعَلَّمَ الطَّاعَةَ مِمَّا تَأَلَّمَ بِهِ،⁹ وَإِذْ كَمَّلَ، صَارَ لِجَمِيعِ الَّذِينَ يُطِيعُونَهُ سَبَبَ خَلَاصٍ أَبَدِيٍّ.¹⁰ مَدْعُوًّا مِنَ اللَّهِ: "رَئِيسَ كَهَنَةٍ عَلَى رُتْبَةِ مَلِكِي صَادِقٍ".

التحذير من التباطئ والسقوط من الإيمان

¹¹الَّذِي مِنْ جِهَتِهِ الْكَلَامُ كَثِيرٌ عِنْدَنَا وَعَسِيرُ التَّفْسِيرِ لِنُسْطِقَ بِهِ، إِذْ قَدْ صِرْتُمْ مُتَبَاطِئِي الْمَسَامِحِ.¹² لَأَنَّكُمْ، إِذْ كَانَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونُوا مُعَلِّمِينَ لِسَبَبِ طُولِ الزَّمَانِ، تَحْتَاجُونَ أَنْ يُعَلِّمَكُمْ أَحَدٌ مَا هِيَ أَرْكَانُ بَدَاءَةِ أَقْوَالِ اللَّهِ وَصِرْتُمْ مُحْتَاجِينَ إِلَى اللَّبَنِ لَا إِلَى طَعَامٍ قَوِيٍّ.¹³ لَأَنَّ كُلَّ مَنْ يَتَنَاوَلُ اللَّبَنَ هُوَ عَدِيمُ الْخَبَرَةِ فِي كَلَامِ الْبَرِّ، لِأَنَّهُ طِفْلٌ،¹⁴ وَأَمَّا الطَّعَامُ الْقَوِيُّ فَلِلْبَالِغِينَ، الَّذِينَ يَسْتَبِيعُونَ التَّمَرُّنَ قَدْ صَارَتْ لَهُمْ الْحَوَاسُّ مُدْرَبَةً عَلَى التَّمْيِيزِ بَيْنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ.

¹زیرا که هر رئیس کهنه از میان آدمیان گرفته شده، برای آدمیان مقرر می‌شود در امور الهی تا هدایا و قربانی‌ها برای گناهان بگذرانند؛² که با جاهلان و گمراهان می‌تواند ملایمت کند، چونکه او نیز در کم زوری گرفته شده است.³ و به سبب این کم زوری، او را لازم است چنانکه برای قوم، همچنین برای خویشان نیز قربانی برای گناهان بگذرانند.⁴ و کسی این مرتبه را برای خود نمی‌گیرد، مگر وقتی که خدا او را بخواند، چنانکه هارون را.⁵ و همچنین مسیح نیز خود را جلال نداد که رئیس کاهنه بشود، بلکه او که به وی گفت: تو پسر من هستی؛ من امروز تو را تولید نمودم.⁶ چنانکه در مقام دیگر نیز می‌گوید: تو تا به ابد کاهن هستی بر رتبه ملکی صِدق.⁷ و او در ایام بشریت خود، چونکه با فریاد شدید و اشکها نزد او که به رهنیدنش از موت قادر بود، تضرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای خویش مستجاب گردید،⁸ هر چند پسر بود، به مصیبت‌هایی که کشید، اطاعت را آموخت⁹ و کامل شده، جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت.¹⁰ و خدا او را به: رئیس کهنه مخاطب ساخت به رتبه ملکی صِدق.

خطر دوری از خدا

¹¹که درباره او ما را سخنان بسیار است، که شرح آنها مشکل می‌باشد چونکه گوشه‌های شما سنگین شده است.¹² زیرا که هر چند با این طول زمان شما را می‌باید معلمان باشید، باز محتاجید که کسی اصول و مبادی الهامات خدا را به شما بیاموزد و محتاج شیر شدید نه غذای قوی.¹³ زیرا هر که شیرخواره باشد، در کلام عدالت ناآزموده است، چونکه طفل است.¹⁴ اما غذای قوی از آن بالغان است که حواس خود را به موجب عادت، ریاضت داده‌اند تا تمییز نیک و بد را بکنند.